

بنیان‌های نظری تعهدات اجتماعی مالک و ظرفیت سنجی آن در حقوق ایران

قاسم محمدی

استادیار، گروه حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

gh.mohammadi@sbu.ac.ir

امیرحسین اکبری (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

am_akbari@sbu.ac.ir

قابل انتشار در دوره ۲۵ شماره ۶۵ (بهار ۱۴۰۵) نشریه پژوهش‌های حقوقی

چکیده

مالکیت در نظام‌های حقوقی افزون بر اعطای حقوق به مالک، همواره با تعهداتی در برابر اجتماع همراه است. گروهی بر این باورند که مالکیت به خودی خود فرد را ملزم به رعایت حقوق جامعه می‌کند. در این دیدگاه، مالکیت حقی مطلق نیست بلکه یکی از کارکردهای اصلی آن ایفا کردن تعهدات اجتماعی است. این تعهدات در حوزه‌هایی همچون حقوق همسایگی، مقررات شهرسازی و اراضی، تملک اراضی توسط دولت، مالکیت فکری، حقوق محیط‌زیست و حفظ اموال تاریخی و فرهنگی ظهور یافته و روز به روز در حال گسترش است. اما پرسش اساسی این است: توجیه و مبانی این تعهدات اجتماعی چیست؟ بنیان تعهد اجتماعی عمدتاً بر سه پایه نفع عمومی، قرارداد اجتماعی و شکوفایی بشری استوار است که در آثار حقوقدانان به آن‌ها اشاره شده است. این پژوهش با رویکردی انتقادی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به تحلیل بنیان‌های نظری این تعهدات اجتماعی می‌پردازد. در این مسیر، میزان انطباق نظریه‌های موجود با نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. هدف نهایی، تبیین این مسئله است که تعهدات اجتماعی مالکیت در حقوق ایران بر چه اساسی استوار بوده و با کدامیک از بنیان‌های موجود بیشتر همخوانی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران رویکردی ترکیبی در پیش گرفته است؛ بدین معنا که از یک سو با تکیه بر منافع عمومی و مصالح عامه، کارکرد نفع عمومی را برجسته می‌سازد و از سوی دیگر، با الهام از اندیشه اسلامی، شکوفایی انسان را مورد توجه قرارداده و نظام مالکیت را در خدمت ارتقای قابلیت‌ها و استعدادهای انسانی قرار می‌بیند.

کلید واژه‌ها: بنیان نظری، تعهدات اجتماعی، نفع عمومی، قرارداد اجتماعی، شکوفایی بشری

مالکیت خصوصی همواره با مجموعه‌ای از حقوق فردی شناخته شده است. در اکثر نظام‌های حقوقی، مبنای مالکیت بر آزادی افراد استوار بوده و به عنوان مجموعه‌ای از اختیارات فردی تعریف می‌شود؛ مانند حق استفاده از مال، تصرف در آن، تغییر شکل، انتقال، مدیریت، وصیت، تقسیم، یا حتی قرار دادن آن به عنوان وثیقه. در نظام حقوقی آمریکا، این حقوق فردی در قالب مفهومی به نام حق حذف^۱ یا حق منع تجمیع شده است. همان‌طور که اشاره شده: «حق محروم کردن دیگران، یکی از اساسی‌ترین عناصر مالکیت است. اگر به فردی این اختیار را بدهید که دیگران را از یک منبع ارزشمند و کم‌یاب محروم کند، در واقع به او مالکیت اعطا کرده‌اید. اگر این حق را از مالک بگیری، در واقع مالکیت را از او سلب کرده‌اید»^۲ مالکیت، حقی محترم و مطلق تلقی می‌شود و محدود کردن آن به سادگی قابل پذیرش نیست. محدودیت‌ها همواره جنبه استثنایی داشته‌اند. مالکیت از منظر حقوقدانان ایران، حقی مطلق و دائمی و انحصاری است. چنانکه گفته اند: «مالکیت عبارت از رابطه‌ای است که بین شخص و چیز مادی تصور شده و قانون آن را معتبر شناخته و به مالک حق می‌دهد که انتفاعات ممکنه را از آن ببرد و کسی نتواند از او جلوگیری کند.»^۳ در حقوق ایران، اگرچه بر جنبه استحقاقی مالکیت (حق مالک در استفاده مطلق از مال خود) تأکید بیشتری شده است، اما جنبه متعهدانه و محدودیت‌های ناشی از آن تحت تأثیر آموزه‌های فقه اسلامی، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. به عنوان مثال، ماده ۳۰ قانون مدنی ایران در مواردی به قانون اجازه داده است که حق تصرف و انتفاع را محدود کند. برخی از حقوقدانان در تعریف مالکیت به استثنای قانونی توجه داشته‌اند. مالکیت حق استعمال و بهره برداری و انتقال یک چیز به هر صورت مگر در مواردی که قانون استثنای کرده باشد.^۴ برخلاف تصور رایج، مالکیت صرفاً به حقوق مالکانه (مانند استفاده، انتقال و تصرف) محدود نمی‌شود. مالک، به رغم برخورداری از این حقوق، در برابر جامعه خود متعهد است. نظریه تعهد اجتماعی با هدف برقراری تعادل میان حق بهره‌برداری مالک و محدودیت‌های مالکانه، از طریق تعریف تعهد اجتماعی نهادینه‌شده شکل گرفته است. اهمیت این موضوع تا بدان جاست که صاحب‌نظران معتقدند: «مالکیت، در نبود محدودیت می‌تواند به عاملی ویرانگر تبدیل گردد. حمایت از دارایی‌های افراد مستلزم اعمال محدودیت‌هایی است. درحقیقت، ماهیت مالکیت خودبه‌خود محدودیت‌آفرین است. این تنش ذاتی بین حق مالکیت و تعهدات ناشی از آن، در بطن مفهوم مالکیت نهفته است.»^۵

با تکوین تفسیر تعهدمحور از نهاد مالکیت و طرح مفهوم تعهدات اجتماعی مالک، دیدگاه‌های متنوعی در میان حقوقدانان شکل گرفته است. در این نوشتار، این نظریات را در قالب سه محور اساسی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهیم و در نهایت، موضع نظام حقوقی ایران را در خصوص تعهدات اجتماعی ناشی از مالکیت بررسی خواهیم کرد.

1. right to exclude

2. Thomas W. Merrill, Property and the Right to Exclude, 4 Ed. (Columbia, Nebraska Law Review, 1998), 730

۳ - سیدحسین امامی، حقوق مدنی، چاپ سی و پنجم، جلد ۱، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳، ۶۰

۴. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ سی ام، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷، ۶۲۶

5. Joseph William singer. Entitlement: The paradoxes of property. (London, Yale University Press, 2000), 203-204.

لئون دوگی^۶، حقوقدان برجسته فرانسوی، به عنوان نخستین نظریه‌پرداز شناخته می‌شود که نفع عمومی را به عنوان مبنای نظری تعهد اجتماعی در حقوق مالکیت مطرح ساخت. وی در اثر مهم خود تحت عنوان «تحولات عمومی در حقوق خصوصی از دوران ناپلئون»، تحلیلی نوین از مفهوم مالکیت ارائه کرد. دوگی با الهام از نظریات جامعه‌گرایانه امیل دورکیم، به تبیین این ایده پرداخت که: «مالکیت حق نیست؛ یک کارکرد اجتماعی است.»^۷ وی در تحلیل خود از مالکیت خصوصی، بر ضرورت دارا بودن مطلوبیت اجتماعی تأکید داشت. از دیدگاه وی، مفهوم کارکرد اجتماعی مالکیت به‌عنوان مبنایی برای توجیه مواردی همچون توجیه سلب مالکیت و توزیع مجدد اموال از طریق برنامه‌های اصلاحات ارضی، بازطراحی شهرها از طریق برنامه ریزی شهری، اعمال کنترل بر تعیین اجاره بها توسط مالکان و سایر محدودیت‌های استفاده از ملک توسط مالک به کارگرفته شده است. نظریه مالکیت دوگی، بخشی از چارچوب نظری گسترده‌تر او درباره ماهیت و کارکرد دولت محسوب می‌شود. به باور دوگی، هدف اصلی دولت نه اعمال حاکمیت محض، بلکه تحقق کارکردهای اجتماعی خود از طریق ارائه خدمات عمومی و حفظ حداکثری منافع جمعی است. بر این اساس، تمام نهادهای فرعی (از جمله تعهدات حقوقی و نظام مالکیت) می‌بایست در راستای این مأموریت کلان عمل کنند.^۸ مالکیت همراه با تعهدات اجتماعی است. مالک نمی‌تواند به میل خود و بدون محدودیت با اموالش رفتار کند، بلکه موظف است از آن به شیوه‌ای مولد و سودمند برای جامعه استفاده کند. ثروت در دست مالکان باید از طریق فعالیت‌های اقتصادی، در مسیر تحقق منافع جمعی به کار رود. منافع عمومی به عنوان محرک اصلی، زمینه‌ساز مداخله دولت در تنظیم حقوق مالکیت شده است.

دوگی بنیان نهاد اجتماعی مالکیت را هم افزایی ثروت اجتماعی می‌داند.^۹ مالکیت به عنوان یک نهاد حقوقی، در پاسخ به نیازهای اقتصادی شکل گرفته و همواره با تحول این نیازها تکامل یافته است. اما در جوامع مدرن امروز، همان نیازهای اقتصادی اولیه که اساس شکل‌گیری مالکیت بودند، دچار دگرگونی‌های عمیقی شده‌اند. این تغییرات موجب شده مالکیت به عنوان یک نهاد حقوقی به سمت اجتماعی‌تر شدن حرکت کند. در این روند، مالکیت دیگر صرفاً یک حق فردی نیست، بلکه وصفی اجتماعی به خود می‌گیرد. این تحول به معنای آن است که مالک در استفاده از دارایی‌های خود ملزم به رعایت منافع و مصالح اجتماعی می‌شود. دوگی با نقد مبانی لیبرالیستی مالکیت، بر ضرورت اجتماعی شدن این نهاد تأکید ورزید. نگرش وی، تقابل آشکاری با انگاره‌های کلاسیک لیبرالی دارد که مالکیت را حقی نامحدود برای فرد می‌داند. دوگی با تبیین این رویکرد، گفتمان جدیدی در حقوق مالکیت ایجاد کرد که در آن تعادل بین منافع فردی و جمعی مورد تأکید قرار می‌گیرد. از دیدگاه دوگی، ضعف‌های نظریه کلاسیک لیبرال در تبیین مالکیت، ریشه در توصیف نادرست «فرد» و «جامعه» دارد. در لیبرالیسم، تأکید بر فرد و حقوق فردی با تصویری که از انسان و جامعه سیاسی ارائه می‌شود، پیوندی ناگسستنی دارد. بر اساس این اندیشه، انسان‌ها ذاتاً موجوداتی مستقل تصور می‌شوند که توانایی بیان خواسته‌ها، بازتعریف اهداف و پیگیری برنامه‌های زندگی خود را دارند. جامعه سیاسی نیز صرفاً برآمده از جمع افرادی است که به‌صورت مستقل و عقلانی در پی تحقق

^۶ Leon, Duguit. 1859-1928

^۷ (propriété individuelle cesse d'être un droit de l'individu pour devenir une fonction sociale)

Léon Duguit. *Les transformations générales du droit privé depuis le Code Napoléon*. (Paris, Librairie F. alcan, 1920). 148.

<https://doi.org/10.2307/1945398>

^۸ . Matthew C. Mirow, The Social-Obligation Norm of Property: Duguit, Hayem, and Others, (Florida: Florida Journal of International Law, 2010), 191

^۹ (lieu que les cas d'affectation de richesse à des collectivités). DUGUIT (op.cit), 149.

برنامه‌های زندگی شخصی خود هستند. حقوق مالکیت به‌عنوان ابزاری تعریف می‌شود تا از مداخله بی‌رویه دولت در فرآیند پویای شکل‌گیری و بازتعریف هویت فردی جلوگیری کند. با این حال، به باور دوگی، این تصویر از جامعه با واقعیت انطباق ندارد.^{۱۰} وابستگی متقابل میان انسان‌ها و همبستگی اجتماعی عنصر بنیادین واقعیت جامعه به شمار می‌رود. انسان‌ها موجوداتی ذاتاً اجتماعی اند که از حس جهانی و غریزه‌ای برای همبستگی و وابستگی متقابل اجتماعی برخوردارند.^{۱۱}

نظریه نفع عمومی در نظام حقوقی بسیاری از کشورها نفوذ پیدا کرده است. حقوق آلمان به‌صراحت تعهدات اجتماعی مالک را به رسمیت شناخته است. بند دوم اصل ۱۴ قانون اساسی آلمان تصریح می‌کند که مالکیت مستلزم تعهداتی است و استفاده از آن نیز باید در راستای منافع عمومی باشد.^{۱۲} اصل ۲۹ قانون اساسی ژاپن ضمن تأکید و به رسمیت شناختن مالکیت مقرر داشته که قانون حقوق مالکیت را مطابق با مصلحت جامعه تبیین می‌کند.^{۱۳}

در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، مالکیت خصوصی به‌عنوان یک حق بنیادین تلقی می‌شود، اما تعهدات اجتماعی مالک، به شکل مستقیم و صریح در متن قانون اساسی نیامده است. آمریکا به‌عنوان کانون نظام سرمایه‌داری لیبرال و مدافع سرسخت مالکیت خصوصی، از نظر اجتماعی کمتر تحت تأثیر دیدگاه‌های جمع‌گرایانه قرار دارد؛ هرچند این تأثیر به تدریج در حال افزایش است.^{۱۴} با این حال، در نظام حقوقی آمریکا مالکیت به‌صورت مطلق تعریف نشده و محدودیت‌هایی بر آن اعمال می‌شود. اصلاحیه پنجم قانون اساسی ایالات متحده «هیچ مال خصوصی‌ای نباید برای استفاده عمومی گرفته شود، مگر با پرداخت غرامت عادلانه.»^{۱۵} از جمله نمودهای نظریه نفع اجتماعی می‌توان به مفاهیمی همچون جوامع دارای منافع مشترک، حمایت‌های مالی از مصرف‌کنندگان و حقوق شهروندی اشاره کرد.^{۱۶}

۱-۱ نفع عمومی یا فایده‌گرایی؛ تفاوت‌ها چیست؟

نفع عمومی، با وجود تأکید بر ثروت، منفعت و هم‌افزایی، با تئوری مرسوم فایده‌گرایی^{۱۷} تمایز دارد. فایده‌گرایی فرد را یکی از اجزا تشکیل‌دهنده منفعت کلان می‌داند. اجزایی که تجربه‌گر کنش‌هایی چون میل، لذت و درد هستند؛ نگاه فایده‌گرایانه هنگامی که به سود فردی می‌پردازد، هیچ علاقه مستقیمی به اطلاعات دیگر درباره او نشان نمی‌دهد.^{۱۸} آنچه در بدو امر ضرورت دارد کسب لذت و رضایت فرد است. به طور غیرمستقیم جامعه نیز به ثروت دست می‌یابد. در دیدگاه فایده‌گرایی، نفع جامعه از طریق برآیند منافع اعضای جامعه تأمین می‌شود. کنشی که در ذات فایده‌گرایی وجود دارد را می‌توان با این جمله دریافت که: «هر فرد باید از ایجاد نظم سیاسی

¹⁰ . Sheila Foster, and Daniel Bonilla. The social function of property: a comparative law perspective. (New York: *Fordham Law Review* 80 (2011). 103

¹¹ . “Leon Duguit | French Jurist & Legal Scholar”, Encyclopaedia Britannica, accessed May 25, 2025, <https://www.britannica.com/biography/Leon-Duguit>

¹² . “Basic Law for the Federal Republic of Germany”, Federal Ministry of Justice and Consumer Protection – BMJV, March 22, 2025, https://www.gesetze-im-internet.de/englisch_gg/englisch_gg.html

¹³ . “قانون اساسی ژاپن”، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، Feb 25, 2024, <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132276>

¹⁴ . رحیم پیلوار، فلسفه حق مالکیت، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۱، ۵۴

¹⁵ . nor shall private property be taken for public use, without just compensation

¹⁶ . Paul Babie, and Jessica Viven-Wilksch. Léon Duguit and the social obligation norm of property. (Adelaide SA, Australia: Springer, 2019), 293-305. <https://doi.org/10.1007/978-981-13-7189-9>

¹⁷ . utilitarianism

¹⁸ . Amartya Sen, and Bernard Williams. Utilitarianism and beyond. (Cambridge: Cambridge University Press, 1982). 4 Available at <https://www.utilitarianism.com/beyond.pdf>. <https://doi.org/10.1017/cbo9780511611964>

رضایت شخصی یا فایده بیشتری نسبت به آزادی و دارایی که در آن سهیم است به دست آورد. اگر آن شرط برآورده شود، آنگاه قدرت دولت با مزایایی که عرضه می‌کند توجیه می‌شود»^{۱۹} نفع اجتماعی در نظریه‌ی دوگی با مفهوم فایده‌گرایی به‌طور بنیادین تفاوت دارد. فایده‌گرایی، مالکیت و حقوق را بر اساس معیار سودمندی جمعی ارزیابی می‌کند و هرچند به حقوق فردی نیز توجه دارد، اما محور اصلی تصمیم‌گیری‌ها را حداکثرسازی منفعت برای اکثریت جامعه قرار می‌دهد. در مقابل، دوگی مالکیت را نه صرفاً بر پایه‌ی سودمندی، بلکه به‌عنوان تعهدی اجتماعی تفسیر می‌کند. از دیدگاه او، حق فردی تنها در چارچوب تعهدات و وظایفی معنا می‌یابد که شخص در قبال جامعه بر عهده دارد. به بیان ساده‌تر، یک فایده‌گرا در ارزیابی مالکیت این پرسش را مطرح می‌کند: «آیا این حق یا دارایی به نفع بیشترین تعداد افراد ممکن است؟» درحالی‌که دوگی با نگاهی وظیفه‌محور می‌پرسد: «آیا مالکیت تعهدات مالک در برابر جامعه را ایفا می‌کند؟» این تمایز نشان می‌دهد که فایده‌گرایی به نتیجه‌ی عمل و پیامدهای جمعی توجه دارد، اما نفع عمومی بر نقش اجتماعی مالکیت تأکید می‌ورزد. در واقع، فایده‌گرایی فرد را مالک حقیقی دارایی خود می‌داند، مشروط بر اینکه استفاده از آن به رفاه عمومی آسیب نرساند؛ اما دوگی مالکیت را امتیازی مشروط می‌پندارد که مشروعیت آن در گرو انجام وظایف شهروندی است. این تفاوت، بازتاب دو نگرش فلسفی متمایز به رابطه‌ی فرد و جامعه است: یکی سودمحور و دیگری تکلیف‌محور.

۱-۲ نفع عمومی زیر ذره بین نقد

اگرچه نظریه دوگی درباره مالکیت، با ایجاد پیوندی بی‌سابقه بین مالکیت و جامعه، مفاهیم ارزشمندی ارائه کرده، اما با ابهاماتی نیز مواجه شده است. در چارچوب نظریه نفع اجتماعی، دولت نقش محوری در هدایت مالکیت خصوصی برای تحقق منافع جمعی دارد و تنها باید از مالکیتی حمایت کند که کارکرد اجتماعی خود را انجام دهد. وقتی مالک به تعهدات اجتماعی خود عمل نکند، دولت حق مداخله از طریق مکانیسم‌های تشویقی یا تنبیهی را دارد. تفسیرهای مبتنی بر نظریه منفعت اجتماعی گاه به مداخله گسترده دولت در حوزه مالکیت دامن می‌زنند. تنظیم و کنترل اموال توسط دولت برای تحقق عدالت اجتماعی ضروری است، اما چنین رویکردی می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای از جمله تهدید استقلال فردی، محدودیت آزادی‌های اقتصادی و بروز ناکارآمدی‌های اداری به همراه داشته باشد.

تأکید دوگی بر ثروت و رفاه اجتماعی و بی‌توجهی به الزامات بنیادین جامعه، نشانگر خلأ هنجارهای اخلاقی و فضایل انسانی در نظریه اوست. به عبارت دیگر، این دیدگاه با تمرکز یک‌جانبه بر منافع جمعی، از توجه به ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی غافل مانده است. از این امر نباید غافل شد که مالکیت فقط دارای کارکرد اجتماعی نیست و حقوق فردی هم در آن واجد اهمیت است. چنانکه گفته شده : «مالکیت وسیله‌ای برای شکل‌گیری شخصیت است. زیرا که توسعه شخصیت، نیازمند تصاحب برخی منابع بیرونی است.»^{۲۰}

تأکید افراطی دوگی بر مفهوم همبستگی اجتماعی و ترویج وابستگی متقابل از طریق سازوکارهای دولتی، در عمل به نقض حقوق خصوصی افراد و تضعیف پرورش توانمندی‌های انسانی مبتنی بر استقلال فردی انجامیده است. این نگرش، تداعی‌کننده انگاره‌های کمونیستی در تفسیر عدالت اجتماعی است. تمرکز یک‌جانبه بر کارکرد اجتماعی مالکیت و بزرگ‌نمایی نقش دولت در تحقق منافع عمومی، به تدریج به سمت انکار مالکیت خصوصی گرایش پیدا می‌کند. این در حالی است که اساساً تعهد اجتماعی در غیاب نهاد

¹⁹ . Richard Epstein. *Supreme Neglect: How to Revive Constitutional Protection for Private Property*. Oxford: Oxford University Press, 2008, 29.

²⁰ . Margaret Jane Radin, "Property and personhood." (California: *Stanford Law Review* 1982) 957-959.

مالکیت خصوصی فاقد هرگونه محتوای معنادار خواهد بود. نگرش جامعه‌محور به مالکیت می‌تواند به تدریج انگیزه‌های فردی و حس مسئولیت شخصی را تضعیف کند. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که حق مالکیت خصوصی به‌طور معناداری رفتارهای مولد را تقویت می‌کند، چرا که افراد در شرایطی که منافع شخصی در دارایی‌های خود دارند، بهره‌وری بالاتری از خود نشان می‌دهند. بسیاری از نظریه پردازان حقوق مالکیت معتقدند مهم‌ترین کارکرد مالکیت ایجاد انگیزه در بهره‌وری است.^{۲۱} در مقابل، تفسیر افراطی از کارکرد اجتماعی مالکیت ممکن است به کاهش این محرک‌های حیاتی بینجامد که پیامدهای ناخواسته‌ای در پی خواهد داشت.

هرچند نظریه‌های اجتماعی مالکیت با هدف کاهش نابرابری‌ها شکل گرفته‌اند، اما در عمل ممکن است اشکال پیچیده‌تری از نابرابری را پدید آورند. این موضوع زمانی آشکار می‌شود که مالکیت جمعی در نهایت به تمرکز قدرت در دست نهادهای خاصی مانند بوروکراسی دولتی منجر شود. این ساختار نه تنها ممکن است به استمرار نابرابری‌های موجود منتهی شود، بلکه نوع جدیدی از ناعدالتی را نیز ایجاد می‌کند که به دلیل پوشش ایدئولوژیک و ساختارهای پیچیده اداری، به مراتب چالش‌برانگیزتر از نابرابری‌های سنتی اقتصادی است. در چنین شرایطی، شهروندان عادی فاقد ابزارهای مؤثر برای مقابله با این ناعدالتی‌های نهادینه‌شده خواهند بود.

۳-۱ نفع عمومی در چشم‌انداز حقوق ایران

دکتر کاتوزیان در کتاب مبانی حقوق عمومی با اشاره به ابهام موجود در مفهوم «منافع عمومی»، معیار سنجش آن را هندسی و اخلاقی می‌داند، نه عددی و کمی. همچنین، «نفع عموم» را به معنای «نفع برتر» می‌پذیرد.^{۲۲} برخی منفعت عمومی را به معنای شی یا کاری که سود آن عاید عموم مردم شود یا بخشی از مردم بدون آنکه خصوصیاتشان منظور گردد از آن برخوردار شوند، تعریف کرده‌اند.^{۲۳} مفهوم نفع عمومی دربرگیرنده طیف گسترده‌ای از نیازهای اساسی جامعه است که در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و سلامت تجلی می‌یابد. هر یک از این حوزه‌ها تعهدات و الزامات خاص خود را به همراه دارد. در مطالعه حاضر که بر تعهدات اجتماعی مالک تمرکز دارد، ارتباط تنگاتنگی با منافع عمومی اقتصادی مشاهده می‌شود. پایه‌گذاری اصول صحیح اقتصادی و اجرای دقیق آن، سنگ بنای تحقق این منافع عمومی است. در واقع، منافع عمومی شامل هر آن چیزی است که بتواند رفاه و بهره‌مندی همگانی را تأمین کند و عموم مردم از آن سود ببرند. این نگاه جامع به منافع عمومی، به ویژه در حوزه اقتصادی، مستلزم ایجاد تعادلی دقیق بین حقوق فردی مالکین و مسئولیت‌های اجتماعی آنان است. برخی با اعتراف به مشابهت مصلحت عمومی و نفع عمومی اولی را واژه‌ای سیاسی و دومی را یک واژه اقتصادی تلقی نموده‌اند.^{۲۴}

قوانین ایران بارها به منافع عمومی و مصالح عمومی اشاره کرده‌اند. کارایی مفهوم «نفع عمومی» را می‌توان به‌ویژه در اصل چهلم قانون اساسی مشاهده کرد؛ جایی که بر پایه قاعده لاضرر، افراد از اعمال حقوق خود در مواردی که موجب ضرر به دیگران یا تجاوز به منافع عمومی شود، منع شده‌اند. نمونه‌های دیگری از شناسایی نفع عمومی در اصول ۲۸ و ۴۵ قانون اساسی دیده می‌شود. در اصل ۲۸، آزادی

²¹ Harold Demsetz . "Toward a theory of property rights." (Tennessee: American Economic Review, 1967),348. https://doi.org/10.1057/9780230523210_9

^{۲۲} . ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، چاپ سوم، (تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶)، ۱۳۶ و ۱۳۷

^{۲۳} . عباسعلی عمید زنجانی و ابراهیم موسی زاده، بایسته‌های فقه سیاسی، (تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸)، ۱۸۰

^{۲۴} . همان، ۱۸۲

افراد در انتخاب شغل، در مواردی که با مصالح عمومی در تعارض باشد، محدود شده است. اصل ۴۵ نیز اختیار حکومت اسلامی را در مدیریت انفال و ثروت‌های عمومی بر اساس مصالح عامه تعیین می‌کند.

تأثیر نفع عمومی در بحث «حدود مالکیت» مطرح شده است. در این زمینه، محدودیت‌هایی به موجب قوانین خاص تعیین شده که هدف از آنها حفظ منافع عمومی است. قانونگذار در راه مصالح اجتماعی و برای حفظ منافع عمومی تصرفات مالک را محدود و حتی سلب مالکیت را تجویز کرده است.^{۲۵} از قانون ملی شدن جنگلها مصوب ۱۳۴۱، قانون سهام شدن کارگران در منافع کارگاه‌های تولیدی و صنعتی مصوب ۱۳۴۱، قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ و قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱، قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸، قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ به عنوان حدود مالکیت که برای حفظ منافع عمومی، نام برده شده است.^{۲۶}

افزون بر آنچه حقوقدانان در بحث حدود مالکیت برشمرده‌اند، اراده مؤخر قانونگذار ایران که مؤید بنیان نفع عمومی است، در «قانون حمایت از مالکیت صنعتی» مصوب ۱۴۰۳ جلوه‌گر شده است. ماده ۳۹ این قانون از تأثیر نفع عمومی در «مجوز اجباری» سخن به میان آورده است. بند ۱ (مصالح ملی و منافع عمومی) به امنیت ملی، بهداشت و توسعه اقتصادی تأکید دارد که همگی از مصادیق بارز نفع عمومی محسوب می‌شوند. بند ۲ (رویه‌های ضد رقابتی) مستقیماً با حفظ رقابت سالم و جلوگیری از انحصار پیوند خورده است؛ اصولی که از پایه‌های کلیدی اقتصاد عمومی هستند.

در اندیشه اسلامی، نفع عمومی عمدتاً کارکردی ابزاری در مسیر تکامل اجتماعی دارد تا اینکه مبنایی اصیل در نظام مالکیت محسوب شود. متفکران اسلامی آن را همچون خط راهنمایی می‌دانند که جامعه را به سمت مفاهیم ژرف‌تری مانند «توازن اجتماعی» و «قوام جمعی» رهنمون می‌سازد.

در کتاب اقتصادنا آمده: «مالکیت در نفع اجتماعی نقش دارد چرا که مالکیت فرآیندی است که فرد به سود جامعه و نیز به سود خود در ضمن اجتماع به کار می‌گیرد. این بینش سلطه مالک را طبق مقتضیات منافع عمومی جامعه محدود می‌سازد».^{۲۷} شهید صدر با طرح مفهوم «منفعت اجتماعی»، آن را مسیری برای تحقق «توازن اجتماعی» می‌داند. منفعت اجتماعی نقش گذار از مالکیت فردی مبتنی بر سودجویی شخصی به مرحله‌ای متعالی، یعنی تحقق توازن در جامعه را ایفا می‌کند. توازن اجتماعی به‌طور مشخص به معنای برقراری تعادل در سطح معیشت افراد جامعه است که از طریق مکانیسم‌هایی همچون مالیات ثابت و ایجاد بخش‌های خصوصی برقرار می‌گردد.^{۲۸}

^{۲۵}. سیدحسین صفایی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، چاپ هفتم، جلد اول، تهران: میزان، ۱۳۸۷، ۱۷۵ و ۱۷۶

^{۲۶}. همان، ۱۹۲-۱۷۵

^{۲۷}. محمدباقر صدر، اقتصاد ما، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی، چاپ اول، ج ۲، (قم: دارالصدر، ۱۳۹۳)، ۳۸ و ۳۹

^{۲۸}. همان، ۳۹۹-۴۰۳

آیت الله طالقانی پایه اجتماع و حیات بشری را بر استقلال فرد درضمن مصلحت و منفعت اجتماع مستقر می‌داند.^{۲۹} ایشان در تبیین ممیزات اقتصاد اسلامی تأکید نموده است که آزادی و مالکیت فردی در این نظام، همواره مشروط به رعایت منابع و مصالح عمومی است.^{۳۰} ایشان بر این باور است که برپایه اصل مالکیت نسبی و محدود، تصرفات فردی باید در حد خیر و مصلحت عموم باشد.^{۳۱}

محمدرضا حکیمی حقوق اجتماع در مالکیت های شخصی را مفروض می‌داند. اجتماع به سبب تلاشهای فراوان و ارتباطات و اندیشه ها و تجربه ها و استعدادها و امکاناتی که فراهم آورده زمینه را ایجاد کرده تا فرد آنچه را دارد به دست آورد.^{۳۲} تکاثر در مالک شدن و اتراف در مصرف کردن شالوده تهندهای اجتماعی و اساس همیاری و هم پستی را سست می‌کنند و از این راه زمینه توازن را از بین می‌برند. تراز مال در مکتب اقتصادی اسلام برای فرد و جامعه تراز قوامی است.^{۳۳}

۲- تعهد اجتماعی؛ قراردادگرایی

اصطلاح قرارداد اجتماعی ابتدا در علوم سیاسی به منظور تبیین علل و منشا حکومت مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. بر این مبنا قرارداد اجتماعی نظریه ای است که وجود دولت را بر پایه اعلام اراده ای که همه افراد در آن مشارکت داشته اند توجیه می‌کند.^{۳۴} نیروی ناشی از اتحاد، در واقع حاصل جمع توانمندی‌های فردی است که انسان‌ها برای فائق آمدن بر موانع پیش روی بقای خویش به کار می‌گیرند.^{۳۵} نظریه قرارداد اجتماعی در باب مالکیت نخستین بار توسط هانوچ داگان، استاد حقوق دانشگاه کالیفرنیا، در کتاب «اموال، ارزش‌ها و نهادها» مطرح شد. به باور او، مالکیت یک نهاد اجتماعی است که پیوندهایی تعهدآور میان مالکان و سایر اعضای جامعه ایجاد می‌کند. افزون بر این، دارایی صرفاً یک مفهوم اقتصادی نیست، بلکه بازتاب‌دهنده مجموعه‌ای از ارزش‌ها است که هر یک مستلزم توزیع عادلانه و همچنین حفظ پایدار ثروت هستند.^{۳۶} جامعه و مالکان در چارچوب یک توافق دوسویه، بر مبنای منافع متقابل به تعامل می‌پردازند. مزایای بلندمدت ناشی از این همکاری باید مورد توجه قرار گیرد، چرا که زمینه‌ساز درونی‌سازی مسئولیت اجتماعی در نظام حقوقی می‌شود. نظریه معامله متقابل بر این اصل تأکید دارد که مالکی که بخشی از دارایی‌اش را در مسیر منافع عمومی از دست می‌دهد خود جزئی جدایی‌ناپذیر از همان جامعه است. این فرد همواره از امتیازات جمعی بهره‌مند بوده بی‌آنکه هزینه کامل این مزایا را پرداخت کرده باشد. بنابراین، تعهدات اجتماعی در قبال جامعه، تکلیفی منطقی و عادلانه محسوب می‌شود.^{۳۷} داگان مهم‌ترین ویژگی تفسیر قراردادی را برقراری نوعی تناسب در منافع شخصی و عمومی می‌داند. تناسبی که با پرداخت مبلغی به صاحب مال در عوض کالای از دست رفته با لحاظ منفعت متقابل بلند مدت به شکل مناسبی تأمین می‌شود. رژیم تناسب لازم نیست به مفهوم دقیق ریاضی آن سختگیرانه باشد. چنانکه داگان در مقاله ای با عنوان غرامت منصفانه، مشوق‌ها، و معانی اجتماعی می‌نویسد «دکترین هماهنگ با فضیلت

^{۲۹} محمود طالقانی، اسلام و مالکیت، چ ۴، (مشهد: نشر طوع، ۱۳۴۴)، ۱۲۰.

^{۳۰} همان، ۲۲۵.

^{۳۱} همان، ۱۴۵.

^{۳۲} محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیة، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، ج ۳، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸)، ۱۶۰.

^{۳۳} همان، ج ۴، ۳۸.

^{۳۴} جلال الدین مدنی، کلیات حقوق اساسی، چاپ ۲۳، (تهران: انتشارات پایدار، ۱۳۹۰)، ۵۰.

^{۳۵} ژان ژاک روسو، قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، چاپ چهارم، (تهران: شرکت سهامی چهر، ۱۳۴۱)، ۴۸.

^{۳۶} Hanoch Dagan. Property: Values and institutions, (Oxford, Oxford University Press, 2011), 123

^{۳۷} Hanoch Dagan, Takings and Distributive Justice, (charlottesville: Virginia Law Review, 1999), 771. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199737864.003.0015>

مسئولیت اجتماعی باید از دو رویکرد افراطی امتناع کامل از پرداخت غرامت و پرداخت خسارت کامل و فوری پرهیز کند. به جای این دوگانگی نامتعادل، باید پایه‌های نظری خود را بر اساس اصل «مزیت متقابل بلندمدت» بنا کنیم. این برداشت از مزیت متقابل، درصدد است تا اهمیت «عضویت» و «شهروندی» را به عنوان مفاهیمی زنده و پویا به رسمیت بشناسد. این رویکرد، با پرهیز از افراط و تفریط، مسیری متعادل را پیشنهاد می‌کند: راهی که هم از عدالت دور نمی‌شود و هم واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی را نادیده نمی‌گیرد.^{۳۸}

داگان برخلاف دوگی، اصالت را به فرد می‌دهد. از نگاه او، جوامع چیزی جز مجموعه‌ای از افراد خودمختار نیستند که آزادانه گرد هم آمده‌اند تا اهداف مشترک مشخصی را محقق کنند. اجتماع تنها تا جایی ارزش دارد که بتواند ترجیحات و خواسته‌های فردی را برآورده سازد. بر این اساس، مالکان نباید به هیچ‌گونه تعهد یکجانبه‌ای که صرفاً مستلزم فداکاری از سوی آن‌هاست پایبند باشند. الزام اخلاقی یا قانونی برای چشم‌پوشی از منافع شخصی تنها زمانی موجه است سودی در برابر آنچه از دست می‌رود، به دست آید. هر تعدیل در حقوق مالکیت باید مبتنی بر منطق دادوستد باشد. این نگاه فردگرایانه، در تقابل با دیدگاه‌های جمع‌گرایانه قرار می‌گیرد که جامعه را موجودیتی فراتر از مجموع اعضایش می‌دانند. در این چارچوب، حتی مسئولیت‌های اجتماعی نیز تنها زمانی معنا پیدا می‌کنند که در نهایت به حفظ یا ارتقای موقعیت فرد بینجامند. از منظر قراردادی، جوامع تنها زمانی می‌توانند مطالباتی از اعضای خود داشته باشند که در ازای آن‌ها عوضی متناسب به تک‌تک افراد بازگردانند.^{۳۹} اعضای جامعه بر پایه توافقاتی نانوشته و تلویحی گرد هم می‌آیند و در پی تحقق اهداف مشترک هستند. در این چارچوب، انگیزه اصلی افراد از مشارکت در قرارداد اجتماعی، به حداکثر رساندن رفاه شخصی از طریق بهره‌مندی از منافع همگرا^{۴۰} است. یعنی آن دسته از منفعی که افراد مختلف، هرکدام با اهداف مستقل خود، در بهره‌برداری از آن مشارکت می‌کنند؛ به این دلیل که تعامل آنها برای تحقق اهداف فردی‌شان ضروری است. همکاری نه بر اساس اشتراک کامل منافع، بلکه بر اساس همسویی موقت منافع شکل می‌گیرد. این همگرایی منافع، آنها را به همکاری وادار می‌کند، حتی اگر اهداف نهایی‌شان متفاوت باشد. در مقابل، منافع مشترک^{۴۱} که به مواردی اشاره دارد که بهره‌برداری مشترک، ذات منفعت است، مانند هوای پاک یا امنیت ملی. در اینجا، افراد نه برای اهداف جداگانه، بلکه دقیقاً برای استفاده از یک امر مشترک گرد هم می‌آیند.^{۴۲}

۲-۱ نقد نگاه قراردادی به تعهد اجتماعی

پیروی از دیدگاه قراردادی تعهد اجتماعی، این نگرانی را به وجود می‌آورد که با چه معیاری می‌توان تعهدات افراد را سنجید؟ همان‌گونه که خود داگان نیز به این نگرانی اشاره کرده است، دکترین قراردادی باید با احتیاط عمل کند تا مبادا به کمک‌های نامتناسبی از سوی مالکان برای رفاه جامعه بینجامد؛ به‌ویژه اگر این مالکان از نظر سیاسی ضعیف یا از نظر اقتصادی محروم باشند، چرا که در چنین شرایطی، بار نامتناسب اقدام‌های عمومی بر دوش افراد آسیب‌پذیر تحمیل می‌شود.^{۴۳}

³⁸ . Hanoch Dagan. Just compensation, incentives, and social meanings, (Michigan: Michigan Law Review 99,2000), 136. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199737864.003.0016>

³⁹ .Hanoch Dagan, The Social Responsibility of Ownership, (New York, Cornell Law Review ,2007), 1266. <https://doi.org/10.2139/ssrn.934495>

⁴⁰ . convergent

⁴¹ . shared goods

⁴² . Charles Taylor, Social theory as practice, (Cambridge: Cambridge University Press, 1985), 96. <https://doi.org/10.1017/cbo9781139173490.004>

⁴³ Dagan, Property: Values and institutions. (Op.cit.), 124 -125

داگان درباره چگونگی اجرای تعهدات اجتماعی توضیح روشنی نمی‌دهد. آیا این تعهدات باید از طریق دادگاه‌ها اجرا شوند یا قوانین مصوب دولت؟ این عدم شفافیت می‌تواند به ناکارآمدی بینجامد.^{۴۴}

نظریه داگان به اندازه کافی به اهمیت روزافزون پایداری زیست محیطی در نظام حقوق مالکیت توجه نکرده است. با گسترش آگاهی درباره چالش‌هایی مانند تغییرات اقلیمی و کاهش منابع طبیعی، ضرورت بازنگری در هنجارهای مالکیت - به ویژه در حوزه کاربری اراضی و بهره‌برداری از منابع - آشکار می‌شود. به نظر می‌رسد چارچوب نظری داگان ظرفیت لازم برای مواجهه با این دغدغه‌های نوین را به طور کامل ندارد. بخشی از تلاش‌ها برای نهادینه کردن تعهد اجتماعی برای حفاظت از محیط زیست انجام گرفته است. هدف قانون و فرهنگ مالکیت حوزه محیط زیست، تضمین سلامت زمین برای نسل‌های آینده است حتی اگر مستلزم کنار گذاشتن برخی مفاهیم رایج مانند حق مطلق مالک باشد. این امر مبین دغدغه حقوقدانان در مورد محیط زیست است. نادانی زیست‌محیطی در دل این ایده‌های بنیادی مالکیت نهفته است. پیام‌های اصلی قانون درباره مالکیت یعنی پیام‌های آن درباره رابطه انسان و زمین گمراه‌کننده هستند.^{۴۵}

۲-۲ انعکاس بنیان قراردادی در حقوق ایران

می‌توان ادعا کرد که ادبیات حقوقی ما از شیوه‌های قراردادی در توجیه تعهد اجتماعی مالک خالی است. برخی از فقهای اسلامی مالکیت را بر اساس مفهوم «عقد اجتماعی» تبیین می‌کنند. چنانکه گفته شده: «مالکیت دو نوع است: مالکیت مفهومی که از قرارداد اجتماعی رایج بین انسان‌ها ناشی می‌شود و مالکیت تکوینی که از خالقیت مالک ناشی می‌شود. مالکیت انسان بر پول خود، مالکیتی ناشی از قرارداد اجتماعی است.»^{۴۶} باید توجه داشت که این نگاه با تفسیر رایج قراردادگرایان غربی متفاوت است. در این دیدگاه فقهی، عقد اجتماعی به معنای پذیرش دوسویه حقوق میان فرد و جامعه است؛ جایی که جامعه با پذیرش مالکیت فرد، متعهد به حمایت از آن می‌شود و در مقابل، فرد نیز ملزم به رعایت حقوق جامعه خواهد بود. این رابطه متقابل نه از یک توافق قراردادی محض، بلکه ریشه در احکام شرعی و اصول تعاونی اسلامی دارد. به همین جهت در ادامه سخن ارتباط حقوق فرد و جامعه را اینگونه ترسیم شده است: «جامعه انسانی، از یک واقعیت عرفی برخوردار است و حقوق و تکالیفی غیر از فرد دارد و همانطور که فرد دارای حقوق، تکالیف و مسئولیت‌هایی است، جامعه نیز دارای حقوق، تکالیف متقابل است.»^{۴۷} بدین معنا مفاهیمی مانند احسان متقابل، کفالت متقابل و سود متقابل ریشه در اندیشه‌های متفکران اسلامی دارد. همان‌گونه که در بیان اهداف اقتصادی مالکیت اشاره شده است: «پایه این جهان بر اساس احسان متقابل است. بدست آوردن یک ثروت با کوشش فردی ممکن نیست بلکه فعالیت‌های اجتماعی دست به دست هم می‌دهند و از تمام کوشش‌های جامعه بهره‌مند می‌شوی تا بتوانی مالی به دست آوری. بنابراین همانگونه که جامعه به تو نیکی کرده به همان اندازه مدیون آن هستی.»^{۴۸} و نیز گفته شده که: «پیامبر اسلام برای تحقق عدالت اجتماعی، کار خود را با ایجاد برادری میان

⁴⁴ - Gregory S Alexander. The social-obligation norm in American property law, (New York: Cornell Law Review 94 ,2008),759.

⁴⁵ - Freyfole, Eric T. "Ownership and ecology. Ohio:Case Western Reserve Law Review 1269.

^{۴۶} .الشیخ جعفر السبحانی، مفاهیم القرآن، چاپ ۴، جلد ۱، بیروت: مؤسسة الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۷ق، ۲۹۵

^{۴۷} . همان، ج ۲، ۱۹۸۰

^{۴۸} . ناصر مکارم شیرازی، اصول کلی اقتصاد اسلام (نه شرقی نه غربی)، جلد ۱، (قم: هدف، ۱۳۶۰)، ۱۱۳

مهاجرین و انصار و پیاده کردن اصل کفالت مقابل در بین مسلمانان آغاز کرد. بر این اساس یکی از ارکان اقتصاد اسلامی کفالت متقابل است.^{۴۹}

سخنان پیش گفته به معنای پذیرش نظریه قرارداد اجتماعی نیست، چرا که مسئولیت‌ها و تعهدات متقابل از منظر اعتقادی، با هدف تعالی بنیان‌های اسلامی و حفظ کیان دین شکل گرفته‌اند، نه آنکه همگام دیدگاه قراردادگرایان صرفاً به عنوان راهکاری برای تضمین منافع مردم یا مبنایی برای مشروعیت حکومت تلقی شوند.^{۵۰} نظریه قرارداد اجتماعی در توجیه مشروعیت محتوای قرارداد ناتوان است. محتوای قرارداد باید مشروعیت خود را از منبعی قبل از قرارداد کسب کند. برای مثال، محتوای مجرمانه صرفاً به دلیل قرارداد، به محتوای مشروع تبدیل نمی‌شود.^{۵۱}

۳- تعهد اجتماعی و شکوفایی انسانی

گریگوری الکساندر^{۵۲} حقوقدان آمریکایی با در نظر گرفتن مختصات و اوصاف مالکیت، تئوری شکوفایی بشری را مطرح کرد. شکوفایی تفسیری از اصطلاح eudaimonia است که نخستین بار ارسطو آنرا به کار برد. Eudaimonia در اخلاق ارسطویی به شرایط شکوفایی انسان یا زندگی خوب اشاره دارد.^{۵۳} از نظر ارسطو، eudaimonia را والاترین خیر انسانی میداند؛ تنها خیری که به خاطر ذات خود (به عنوان غایت فی نفسه) ارزشمند است، نه به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به هدفی دیگر.^{۵۴} به این معنا که هر فرد باید این فرصت را داشته باشد تا زندگی تا حد ممکن رضایت‌بخشی را تجربه کند. این نظریه بر تعهدات مالکان نسبت به اعضای جوامعی که به آنها تعلق دارند تأکید می‌کند. این تعهدات بسته به زمینه‌های اجتماعی و دوره‌های تاریخی مختلف، متفاوت‌اند و با پیچیده‌تر شدن ساختارهای جامعه و افزایش وابستگی متقابل انسانها، اهمیت آنها پررنگتر شده است. اساس این تعهدات، شکوفایی انسان است. در واقع، نظریه شکوفایی انسانی بر هدف غایی مالکیت تأکید دارد که چیزی نیست جز توانمندسازی فرد برای دستیابی به این شکوفایی. شکوفایی انسان به توانمندیهای بالقوه و بالفعل او وابسته است، نه به داراییهای مادی اش. به بیان دیگر، زندگی خوب را باید در قابلیت‌های^{۵۵} فرد جستجو کرد، نه در مالکیت اشیا یا رضایت از ترجیحات ذهنی گذرا. این دیدگاه نشان می‌دهد که معیار حقیقی پیشرفت فردی، توانایی تبدیل قوه استعداد به فعل و امکان مشارکت معنادار در زندگی اجتماعی است، نه انباشت ثروت یا تحقق خواسته‌های شخصی. در این چارچوب، مالکیت تنها زمانی ارزشمند است که بستری برای تحقق این قابلیت‌ها باشد.^{۵۶} قابلیت به مجموعه‌ای از توانمندی‌های اساسی اشاره دارد که هر فرد می‌تواند در زندگی خود به دست آورد. این مفهوم فراتر از امکانات مادی است و به حوزه‌های عینی کیفیت زندگی می‌پردازد. تغذیه کافی، داشتن سلامتی خوب، در امان بودن از بیماریها، شاد بودن، احترام به خود و مشارکت در زندگی اجتماعی به

^{۴۹} - صدر، پیشین، ج ۱، ۳۴۸

^{۵۰} قرارداد گرایان مبنای مشروعیت حکومت را به رضای جمعی و قرارداد اجتماعی می‌دانستند. ر. ک: تاریخ فلسفه (فلسوفان انگلیسی)، کاپلستون، ترجمه امیر

جلال الدین اعلم، (تهران: انتشارات علمی فرهنگی و انتشارات سروش، دوم، ۱۳۷۰)، ج ۵، ص ۱۵۰ - ۱۵۲

^{۵۱} - الشیخ محسن الراقی، نظریه الحکم فی الاسلام، (قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۶ق)، ۴۵

^{۵۲} - Gregory S. Alexander

^{۵۳} - Rosalind Hursthouse, On Virtue Ethics, (Oxford: Oxford University Press, 1ed, 2000), 10

^{۵۴} - "Eudaimonia | Definition & Facts", Encyclopaedia Britannica, accessed May 25, 2025, <https://www.britannica.com/topic/eudaimonia>

^{۵۵} - capability

^{۵۶} - Gregory S. Alexander, Ownership and Obligations: The Human Flourishing Theory of Property, (Hong Kong: Hong Kong Law Journal, 2013), 2.

عنوان نمونه ای از قابلیت ها برشمرده شده اند.^{۵۷} هیچ فردی به تنهایی قادر به پرورش قابلیت‌های اساسی خود نیست. فرآیند رشد و تکامل انسان ذاتاً جمعی است؛ ما برای تقویت ظرفیت‌های لازم برای زندگی آزاد و عقلانی به دیگران وابسته‌ایم. همبستگی اجتماعی به عنوان ابزاری کارآمد، نقش اساسی در پرورش استعدادها و توانمندی‌های فردی و جمعی ایفا می‌کند. این هماهنگی اجتماعی در نهایت زمینه‌ساز تحقق شکوفایی و پیشرفت جامعه می‌شود. همبستگی اجتماعی، دو مسئولیت اساسی بر دوش ما می‌گذارد: اول تعهد به مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و دوم وظیفه حمایت از شبکه‌ها و نهادهای اجتماعی که بستر رشد این قابلیت‌ها را فراهم می‌کنند. در حقیقت، همان ساختارهایی که امکان شکوفایی را برای ما فراهم می‌کنند، ما را ملزم می‌سازند تا در حفظ و تقویت آنها بکوشیم. این رابطه دوسویه نشان می‌دهد که آزادی فردی نه در انزوا، که در چارچوب روابط انسانی و نهادهای جمعی معنا پیدا می‌کند.^{۵۸} مالکیت نقشی اساسی در انجام تعهدات اجتماعی ایفا می‌کند. این نگاه، ماهیت ذاتاً جمعی نهاد مالکیت را آشکار می‌سازد. صاحب مال موظف است از دارایی خود به شیوه‌ای استفاده کند که برای جامعه‌ای که به آن وابسته است، منافی را فراهم آورد. منافی که جامعه به درستی آنها را برای پرورش قابلیت‌های ضروری شکوفایی انسان لازم می‌داند. در این چارچوب، محدودیت‌هایی که قانون بر حقوق مالکانه اعمال می‌کند نه تنها نقض حقوق فردی نیست، بلکه بازتابی از همان تعهداتی است که به طور طبیعی از پیوندهای اجتماعی ناشی می‌شوند. این دیدگاه از شکوفایی را در تقابل با دیدگاهی است که آن را در گرو پیروی از منافع شخصی می‌پندارد. دیدگاهی که معتقد است شکوفایی انسان، وابسته به عقلانیت، حفظ خودارزشمندی و پیگیری منافع عقلانی فردی است.^{۵۹} اخلاق جمع‌گرا مخرب است و پروژه‌های جمع‌گرایانه و برنامه‌های رفاهی دولتی با قربانی کردن برخی افراد برای منافع دیگران، حقوق فردی را نقض می‌کنند.^{۶۰}

شکوفایی انسان با در نظر گرفتن ارزشهای اساسی بشری، انگرش رایج در نظام حقوقی که مالکیت را صرفاً ابزاری برای حداکثرسازی ثروت میدانند در تضاد است.^{۶۱} شکوفایی دارای دو جنبه اساسی نیک‌زیستی و نیک‌کرداری است. شکوفایی هم شامل "خوب زیستن" (رفاه مادی، نیازهای پایه‌ای) است و هم "خوب عمل کردن" (داشتن فضایل و زندگی عقلانی) است.^{۶۲} حقوق مالکیت باید در خدمت شکوفایی انسان‌ها باشد و در مواردی که مانع شکوفایی باشد، محدود می‌شود. شکوفایی می‌تواند مستلزم تعهدات اجتماعی مالکان نسبت به جامعه باشد.^{۶۳}

در کشورهای آمریکای لاتین، از جمله برزیل (ماده ۵)، کلمبیا (ماده ۵۸)، و مکزیک (ماده ۲۷)، تعهد اجتماعی مالکیت عمدتاً بر پایه‌ی «شکوفایی انسانی» تعریف شده است؛ به این معنا که مالکیت وظایفی اجتماعی به همراه دارد که هدف آن تأمین شرایط زندگی شایسته برای همه‌ی افراد جامعه است.^{۶۴}

دیدگاه نظام حقوقی آفریقای جنوبی در خصوص مالکیت و قیود آن منطبق با نظریه شکوفایی بشری است. دولت می‌تواند برای اصلاح نابرابری‌های ناشی از آپارتاید، محدودیت‌هایی بر مالکیت اعمال کند. مصادره زمین با غرامت برای اهداف عمومی (مانند مسکن یا توسعه

⁵⁷ - Flavio Comim and Mozaffar Qizilbash and Sabina Alkire, *The Capability Approach: Concepts, Measures and Applications*, (Cambridge: Cambridge University Press, 2008), 1 edition, 2.

⁵⁸ Alexander, *Ownership and Obligations: The Human Flourishing Theory of Property*, op.cit, 6

⁵⁹ . Ayn Rand, *The virtue of selfishness*, (New York: Penguin, 1964). 32-40

⁶⁰ . Ibid, 77-78

⁶¹ . Richard Posner, *Economic Analysis of Law*, 3ed, (Alphen aan den Rijn: Wolters Kluwer, 1986), 21.

⁶² - Gregory S. Alexander, Eduardo M. Peñalver, *An introduction to property theory*, (New York: Cambridge University Press, 2012), 88

⁶³ - ibid, 94-96.

⁶⁴ Colin Crawford, *The Social Function of Property and the Human Capacity to Flourish*, (New York: Fordham Law Rev. , 2011), 1090-1094

اجتماعی) مجاز است. قانون اساسی آفریقای جنوبی حق دسترسی به مسکن، آب، بهداشت و زمین را به عنوان حقوق بنیادین تضمین می‌کند این امر مالکان زمین‌های بزرگ را ملزم می‌کند تا در راستای رفع محرومیت‌های تاریخی همکاری کنند.^{۶۵}

۳-۱ بررسی انتقادی بنیان شکوفایی

الکساندر در نظریه خود استدلال می‌کند که حقوق مالکیت باید به شکوفایی انسان منجر شود؛ اما تعریف او از این مفهوم کلیدی به اندازه کافی دقیق و شفاف نیست. ابهام اصلی در اینجا به ماهیت شکوفایی بازمی‌گردد. شکوفایی تا چه میزان در تحقق رفاه مادی و اقتصادی نقش دارد؟ در مورد رشد اخلاقی و فضیلت‌های انسانی چگونه؟ آیا این شکوفایی باید معطوف به خودمختاری فردی باشد، یا پیوندهای اجتماعی و تعاملات جمعی را نیز به عنوان بخشی از فرآیند تکامل انسان در نظر می‌گیرد؟

در فقدان تعریفی روشن و چارچوبی نظری مشخص، این نظریه در مواجهه با مسائل عملی با چالش‌های بنیادینی روبه‌رو خواهد شد. برای مثال، اگر حقوق مالکیت صرفاً به افزایش ثروت مادی بینجامد، اما به بهای نادیده گرفتن عدالت توزیعی یا تضعیف همبستگی اجتماعی تمام شود، آیا می‌توان آن را «شکوفایی» به معنای واقعی دانست؟ از این رو، تدقیق مؤلفه‌های شکوفایی و ترسیم مرزهای آن، گامی ضروری برای ارزیابی انسجام درونی این نظریه و کاربردپذیری آن در عرصه عمل است.^{۶۶}

الکساندر به درستی اشاره می‌کند که هر نظریه کارآمد در حوزه حقوق مالکیت باید رویکردی «کثرت‌گرا» داشته باشد و صرفاً به یک ارزش واحد متکی نباشد. با این حال، نظریه او خود به اندازه کافی از این کثرت‌گرایی فاصله دارد. برای نمونه، او توضیح روشنی ارائه نمی‌دهد که چرا ایده خاص او از رفاه انسانی باید بر دیگر ملاحظات اخلاقی یا اجتماعی اولویت داشته باشد، یا حتی چرا باید این دیدگاه را بر افرادی تحمیل کرد که حاضرند بخشی از این «رفاه» را در راه تحقق اهداف دیگر فدا کنند.

گرچه نظریه شکوفایی الکساندر، همبستگی اجتماعی را به عنوان محور رشد جوامع مطرح می‌کند، به پشتوانه ارزشی برای همکاری اجتماع اشاره ای ندارد. جامعه باید از چه ساختارها و ویژگی‌هایی برخوردار باشد و افراد چه اشتراکات بنیادینی فکری، فرهنگی یا اقتصادی نیاز دارند تا با گذشت از منافع فردی، به یاری یکدیگر بشتابند؟

۳-۲ مسیر شکوفایی در حقوق ایران

مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر رشد، پرورش و شکوفایی استعداد‌های انسانی تأکیدی ویژه دارد. چنانکه شهید بهشتی، «آماده‌سازی محیط اجتماعی برای تکامل و رشد انسان» را به عنوان زیربنای دوم قانون اساسی معرفی می‌کند.^{۶۷} در مقدمه قانون

^{۶۵} . اصول ۲۵ تا ۲۷ قانون اساسی آفریقای جنوبی

^{۶۶} - John Finnis. Natural law and natural rights. 2ed, (Oxford: Oxford University Press, 2011), 174-176.

^{۶۷} سیدمحمدبهشتی، مبانی نظری قانون اساسی، ج ۲، (تهران، نشر بقیع، ۱۳۷۸ش)، ۴۳.

اساسی عبارات «پرورش»^{۶۸}، «رشد دادن» و «بروز و شکوفایی استعدادها»^{۶۹}، «تکامل»^{۷۰}، «حرکت تکاملی»^{۷۱}، «بروز خلاقیت‌های انسانی»^{۷۲}، «رشد و تعالی»^{۷۳} همگی گواهی بر این مدعا هستند که نظام اسلامی، توسعه و تعالی انسان را در صدر اولویت‌های خود قرار داده است. حکومت اسلامی با هدف پرورش انسان و شکوفایی استعدادهای او شکل گرفته است تا ارزش‌های والای انسانی را تحقق بخشد. این رشد و تعالی باید در چارچوب نظام الهی و مسیر تکاملی انسان، صورت پذیرد. در عرصه اقتصاد نیز، تأمین فرصت‌های برابر، ایجاد اشتغال و رفع نیازهای اساسی، همگی در خدمت رشد توانمندی‌های انسانی طراحی شده‌اند. مالکیت به عنوان محور اساسی نظام اقتصادی، زمانی مشروعیت می‌یابد که زمینه‌ساز رشد استعدادها و ارتقای قابلیت‌های انسانی باشد و سعادت جمعی را تضمین کند. بنابراین، شکل‌گیری و هدایت اقتصاد باید به گونه‌ای باشد که شیوه‌های مالکیت، هم منافع فردی را تأمین کند و هم به پیشرفت همگانی بینجامد. در این مسیر تکاملی، حکومت موظف به ساماندهی اقتصاد است و شهروندان نیز باید از مالکیتی بهره‌مند شوند که علاوه بر تأمین منافع شخصی، موجب بهره‌مندی دیگر اعضای جامعه نیز گردد. شارع اسلام امکان مالکیت را برای افراد فراهم ساخته تا با استفاده از آن مسیر کمال را طی نمایند و از زندگی شایسته برخوردار باشند.^{۷۴}

اصل ۴۳ قانون اساسی که به تعبیر آیت الله سید محمد بهشتی^{۷۵} تجلی‌گر هفت بعد بنیادین اقتصاد و نظام مالی در قانون اساسی و محقق‌کننده اهداف اقتصادی نظام است، به‌وضوح در بردارنده عنصر شکوفایی است. بند سوم این اصل به‌صراحت تأکید می‌کند که اشتغال هر فرد نباید چنان باشد که فرصت خودسازی معنوی و اجتماعی را از او بگیرد. در این نگاه، تحقق شکوفایی واقعی بدون معنویت و التزام عملی به اصول اسلامی ناممکن است. همان‌گونه که رشد و تعالی حقیقی، مستلزم پایبندی به احکام نورانی اسلام است؛ از جمله: پرهیز از اسراف و تبذیر، اجتناب از اضرار به غیر، مبارزه با انحصار و احتکار، نفی کامل ربا. این اصول، نه تنها چارچوبی اخلاقی برای اقتصاد اسلامی ترسیم می‌کنند، بلکه ضامن تحقق عدالت اجتماعی و شکوفایی همه‌جانبه در جامعه هستند.

شهید مطهری به‌صراحت مالکیت را به سعادت بشر پیوند می‌دهد. مالکیت حق بهره‌بردن و استفاده و به مصرف رساندن ثروت را به مالک اختصاص می‌دهد. این جاست که پای حیات و منافع دیگران به میان می‌آید. این جاست که باید دید از نظر سعادت بشر چگونه باید نظر داد.^{۷۶}

^{۶۸} رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرائطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والاوجهان شمول پرورش یابد.

^{۶۹} هدف حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونه انسان فراهم آید.

^{۷۰} در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست.

^{۷۱} تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او برعهده حکومت اسلامی است.

^{۷۲} برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است.

^{۷۳} خانواده واحد بنیادین جامعه و قانون اصلی رشد و تعالی انسان است.

^{۷۴} سیدمحمدهاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، ج ۱، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲)، ۳۷۴.

^{۷۵} سید محمد بهشتی، اقتصاد اسلامی، ج ۷، ۱، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش)، ۱۲۹.

^{۷۶} مرتضی مطهری، نظری به نظام اقتصادی اسلام، (تهران: نشر صدرا، ۱۴۰۲)، ۵۰.

مالکیت، به عنوان یک نهاد حقوقی، نقش بسیار مهمی در پیشرفت و تعالی جامعه ایفا میکند. قانون نیز باید در تنظیم نهاد مالکیت، پیشگام باشد تا اهداف آن محقق شود. چنانکه گفته شده: «هدف حقوق و قانون تأمین نیازها و کمال و خوشبختی افراد جامعه است.»^{۷۷}

مقررات قانون مدنی در بحث حق ارتفاق نسبت به املاک می تواند ریشه در بنیان شکوفایی داشته باشد و آن را تقویت نماید. گفته شده: «به منظور ایجاد دوستی و جلوگیری از اختلاف بین همسایه ها قانون مدنی قسمتی از اختیار مالک زمین را گرفته است.»^{۷۸} قانون مدنی با محدود کردن اختیارات مالک در راستای حفظ حقوق همسایگان، نه تنها از اختلافات جلوگیری میکند، بلکه بنیان یک جامعه منسجم و همیار را تقویت می نماید. مالکان با پذیرش این تعهدات اجتماعی، سهمی مؤثر در ایجاد محیطی امن و مسالمت آمیز ایفا می کنند؛ محیطی که هم به عنوان پیش نیاز پیشرفت اقتصادی جامعه محسوب می شود و هم لازمه ی رشد و تعالی شهروندان است.

در قانون اخیرالتصویب «حمایت از مالکیت صنعتی» مواردی از «استفاده منصفانه»^{۷۹} مشاهده می شود که دامنه حمایت از حقوق مادی صاحب اثر را محدود می سازد. بر اساس این قانون، حقوق مادی ناشی از اختراع ثبت شده و بهره برداری از آن، شامل مواردی که با اهداف تحقیقات علمی، آزمایشی، آموزشی یا پژوهشی انجام می شود، نمی گردد. این مقرر به توضیح حاوی عنصر شکوفایی اجتماعی است. ماده ۳۹ این قانون نیز که در بحث منافع عمومی از آن سخن گفتیم، تا حدودی با بنیان شکوفایی مرتبط است. بند ۳ (کوتاهی در بهره برداری از اختراع) تضمین میکند که اختراعات به جای راکد ماندن، در خدمت توسعه فناوری و اقتصاد کشور قرار گیرند. بند ۴ (اختراعات وابسته) از موانع انحصاری بر سر راه پیشرفت فناوریهای جدید جلوگیری می کند و به رشد زنجیره های نوآوری کمک می نماید. این مفهوم بر پیشرفت همه جانبه انسان از طریق دسترسی به دانش، فناوری و امکانات ضروری زندگی تأکید دارد. در حقوق مالکیت فکری، شکوفایی بشری مستلزم آن است که: اختراعات و نوآوریها به طور عادلانه در دسترس جامعه قرار گیرند و انحصار دانش فنی مانع توسعه علمی و رفاه عمومی نشود.

قانون مالیات بر خانه های خالی^{۸۰} که مانع از احتکار و سوداگری در بخش مسکن می شود و با هدف افزایش عرضه برای مصرف کنندگان واقعی وضع شده است، به باور نگارنده نمونه ای از قوانین منطبق با نظریه شکوفایی در حقوق ایران به شمار می آید. جلوگیری از تمرکز و احتکار، شرطی اساسی برای دسترسی عادلانه مردم به مسکن و تحقق شکوفایی انسانی است. مالکیت صرفاً ابزاری برای کسب منفعت نیست، بلکه باید بستری برای تأمین نیازهای اساسی افراد، توانمندسازی جامعه و تحقق عدالت اجتماعی فراهم آورد. در این راستا، مالیات بر خانه های خالی و تخصیص درآمد حاصل از آن به اهداف اجتماعی، مالکیت خصوصی را در خدمت ارتقای ظرفیت های انسانی قرار می دهد.

قانون زمین شهری^{۸۱} و اصلاحات بعدی آن، با هدف برقراری عدالت و تنظیم مالکیت اراضی شهری، بهره برداری صحیح و گسترده تر از این اراضی، تعدیل و تثبیت قیمت زمین، و تأمین مسکن و خدمات عمومی تصویب شد. فلسفه این قانون بر این امر استوار است که

۷۷. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مقدمه علم حقوق، چاپ دوازدهم، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳)، ۱۹

۷۸. ناصر کاتوزیان، اموال و مالکیت، چاپ ۳، (تهران: میزان، ۱۳۹۰)، ۱۱۱

۷۹. ماده ۳۸

۸۰- ماده ۵۴ مکرر قانون مالیات های مستقیم (اصلاحی ۱۴۰۳/۲/۱۰)

۸۱- مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲

زمین شهری یک کالای صرفاً خصوصی نیست و باید برای رفع نیاز عمومی، به ویژه تأمین مسکن، مدیریت شود. این رویکرد با ایده شکوفایی هم‌راستا است، زیرا هدف آن «دسترسی عادلانه به مسکن» بوده است. به همین ترتیب، قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن^{۸۲}، که با هدف افزایش تولید مسکن و فراهم آوردن دسترسی مردم به خانه مناسب وضع شده است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان^{۸۳} که با هدف حفاظت از حقوق مصرف‌کننده و جلوگیری از سوءاستفاده تولیدکنندگان و فروشندگان وضع شده است تأثیر زیادی در شکوفایی دارد. حمایت از مصرف‌کننده باعث ارتقای رفاه و امنیت اقتصادی و روانی افراد می‌شود و مانع از انحصار و محدود کردن دسترسی انسان‌ها به منابع ضروری می‌گردد.

به باور نگارنده در حقوق ایران، چند دسته از قوانین و مقررات را می‌توان مثال زد که کمتر با رویکرد شکوفایی هماهنگ هستند و بعضاً در نقطه مقابل آن قرار می‌گیرند. قوانین اجاره به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که حقوق مستأجر نسبت به مالک ضعیف‌تر محسوب می‌شود و در نتیجه مانع دسترسی عادلانه مردم به مسکن می‌شوند؛ مسکنی که نیاز اساسی برای تأمین شکوفایی انسانی است. قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶ با وجود مقررات خاص به مانند حق کسب یا پیشه یا تجارت^{۸۴}، محدودیت در تخلیه^{۸۵}، ادامه قرارداد^{۸۶} حمایت نسبتاً قوی از مستأجر داشت اما قانون سال ۱۳۷۶، این حمایت‌ها را به شدت کاهش داد و عملاً دست مالک را بازتر کرد. برداشتن چتر حمایت از سر بازرگانان و صاحبان خدمات شغلی و حرفه‌ای آنان را از جهت اقتصادی دچار بحران می‌کند و حاصل کارشان عاید مالکان بزرگی می‌شود که ممکن است به هیچ حرفه و صنعتی نپردازند.^{۸۷} فقدان قوانین حمایتی در حوزه مسکن و اجاره، که بتواند توازن مناسبی میان حقوق مالک و مستأجر برقرار کند، موجب می‌شود مستأجران همواره در موقعیتی ضعیف و ناامن قرار گیرند. تکیه صرف بر قاعده تسلیط و در نظر گرفتن منفعت مالک، امکان آینده‌نگری بلندمدت در زمینه مسکن را از مستأجر سلب می‌کند. در نتیجه، امنیت روانی و اقتصادی لازم برای تشکیل خانواده یا سرمایه‌گذاری در آموزش و سلامت از میان می‌رود. در چنین شرایطی، مالک در جایگاهی برتر قرار داشته و می‌تواند با تهدید به تخلیه یا افزایش اجاره، فشار سنگینی بر مستأجر وارد کند.

در ایران منابعی مثل جنگل‌ها، مراتع، معادن و آب‌ها طبق اصل ۴۵ قانون اساسی «انفال» و در اختیار دولت هستند. قوانین بهره‌برداری مثلاً در بخش معدن یا منابع طبیعی اغلب بر «درآمدزایی» تمرکز دارند و «شکوفایی جمعی، محیط زیست و عدالت بین نسلی» در آن جایگاه مهمی ندارد.

^{۸۲} - مصوب ۱۳۸۷/۲/۲۵

^{۸۳} - مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵

^{۸۴} - ماده ۱۹ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶/۵/۲

^{۸۵} - مواد ۱۴ و ۱۵ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶/۵/۲

^{۸۶} - مواد ۷ و ۸ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶/۵/۲

^{۸۷} - کاتوزیان، ناصر، «نقدی تحلیلی بر قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶/۵/۲»، ماهنامه دادرسی، ۱۸، ۱۳۷۸ (۳)، ۵

ماده ۹ قانون معادن^{۸۸} تصریح می‌کند که بهره‌برداری از معادن منوط به اخذ پروانه است و اختیار واگذاری آن بر عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت قرار دارد. بر اساس ماده ۱۴ نیز درصدی از درآمد حاصل از استخراج باید به دولت پرداخت شود. با این حال، تمرکز اصلی این قانون بیش از آنکه بر پایداری محیط‌زیست یا بهره‌مندی نسل‌های آینده استوار باشد، بر کسب درآمد دولت از طریق دریافت حقوق دولتی معطوف شده است. هرچند در برخی مواد به توسعه انسانی و حفظ محیط‌زیست اشاره شده، اما این توجه اندک و محدود است.^{۸۹}

در حوزه منابع طبیعی قانون «حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع»^{۹۰} مقرراتی را وضع نموده است. عنوان این قانون بر دو محور اساسی استوار است: حفاظت و بهره‌برداری. بر اساس این قانون، دولت مجاز است اراضی جنگلی و مرتعی را برای اجرای طرح‌های کشاورزی و صنعتی واگذار کند. با این حال، در عمل بخش بهره‌برداری غالب شده و بخش حفاظت به حاشیه رانده شده است. این وضعیت سبب واگذاری بی‌رویه جنگل‌ها و مراتع به طرح‌های عمرانی و صنعتی شده که اغلب با تخریب محیط زیست همراه است.

مطابق مواد ۲ و ۳ این قانون، مالکیت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع ملی شده به‌طور کامل در اختیار دولت قرار دارد و بهره‌برداری صرفاً از طریق صدور پروانه امکان‌پذیر است. این تمرکز مالکیت در دست دولت، بدون پیش‌بینی سازوکارهای واقعی برای مشارکت جوامع محلی، با اصل توانمندسازی و شکوفایی انسان‌ها ناسازگار است، زیرا بهره‌برداران سنتی و جوامع بومی را به حاشیه می‌راند. این مسئله با بررسی دقیق سایر مقررات قانون نیز مشهود است؛ برای نمونه، در ماده ۴۰ این قانون، انتقال و اجاره اراضی جنگلی به مؤسسات و شرکت‌ها عمدتاً بر اساس منافع اقتصادی صورت می‌گیرد و درآمدهای حاصل به خزانه دولت و سازمان‌های دولتی اختصاص می‌یابد.

رشد و شکوفایی در سرشت اصول اعتقادی شیعه نیز ریشه دوانده است. رشد و تعالی استعداد‌های انسانی در عصر ظهور، جایگاهی ویژه دارد. حکومت حضرت مهدی (عج) با برداشتن موانع ظلم و جهل، فضایی پویا برای شکوفایی همه‌جانبه فرد و جامعه ایجاد خواهد کرد. در روایات متعدد به شکوفایی عقل^{۹۱}، شکوفایی علم^{۹۲} اشاره شده است. در پرتو تشکیل حکومت جهانی، مقارن با رشد عقلی و اخلاقی بشر، ارتقا سطح کیفی روابط اجتماعی، صفات زشت اخلاقی و روانی مرتفع می‌گردد.

^{۸۸} - مصوب ۱۳۷۷/۳/۲۳ با اصلاحات ۱۳۹۰/۸/۲۲

^{۸۹} - به عنوان نمونه، طبق تبصره ۶ ماده ۱۴ مقرر شده است که بخشی از درآمد حقوق دولتی (۱۵ درصد) صرف ایجاد زیرساخت‌ها و بهبود رفاه مردم منطقه گردد؛ رقمی که در مقایسه با نیازهای واقعی بسیار ناچیز به نظر می‌رسد. همچنین بر اساس بندهای «ت» و «ج» ماده ۲۴، بهره‌برداری در مناطقی چون پارک‌های ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه‌های حیات وحش، جنگل‌ها و مراتع ممنوع یا محدود اعلام شده است. با وجود این، سازوکارهای حمایتی برای حفاظت از محیط‌زیست در قانون به‌طور جدی پیش‌بینی نشده و صرفاً به حداقل‌ها بسنده شده است.

افزون بر این، در تبصره ۵ ماده ۱۴ بهره‌برداران با رعایت برخی شرایط تا سقف ۲۰ درصد از پرداخت حقوق دولتی معاف شده‌اند؛ اما جایگاه محیط‌زیست در میان این شرایط در پایین‌ترین سطح قرار گرفته و عملاً کم‌اهمیت جلوه داده شده است.

^{۹۰} - مصوب ۱۳۴۶/۵/۲۵ با اصلاحات ۱۳۹۶/۸/۱۴

^{۹۱} امام باقر (ع) فرمود: چون قائم ما قیام کند خدا دست رحمت بر سر بندگان نهد تا در تعقل هماهنگ شوند و آرمانهای آنها کامل شود. (کلینی، محمدابن یعقوب، اصول الکافی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، ج ۳، ص ۱، قم، اسوه، ۱۳۷۵، ص ۶۹)

^{۹۲} حضرت صادق علیه السلام فرمود: «علم بیست و هفت حرف است. آنچه پیغمبران آورده‌اند دو حرف است و مردم هم تا کنون بیش از آن دو حرف را ندانسته‌اند. پس موقعی که قائم ما قیام می‌کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می‌آورد و آن را در میان مردم منتشر می‌سازد و آن دو حرف را هم به آنها ضمیمه می‌کند تا آنکه بیست و هفت حرف خواهد شد.» (مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۵۲، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۳۶)

نتیجه گیری

در بررسی بنیان‌های تعهد اجتماعی، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح می‌شود که با تکیه بر مفاهیمی مانند نفع اجتماعی، قرارداد و شکوفایی، در پی توجیه تعهد مالکانه هستند. هر یک از این نظریه‌ها با تحلیل ویژگی‌ها و جایگاه نهاد مالکیت در جامعه، رویکردی تعهدمحور را بر مبنای تعهد اجتماعی مطرح می‌کنند. تأثیر مصالح و منافع جمعی و همبستگی متقابل در بخش‌های مختلف نظام سیاسی و حقوقی ایران آشکار است، اما با این حال، مبانی فکری حاکم بر مسائل حقوقی و اقتصادی کشور، بیش از هر چیز با رویکرد شکوفایی جامعه همخوانی دارد. به باور نگارنده، به‌کارگیری مفهوم توازن اجتماعی به عنوان نهادی که پیش‌نیاز توسعه و تعالی است و بستری برای رشد استعدادها، فراهم می‌کند، ضروری می‌نماید. بدون ثبات و تعادل اقتصادی و توزیع عادلانه منابع مالی در جامعه، دستیابی به شکوفایی واقعی، تنها یک آرمان دست‌نیافتنی خواهد بود. مالک اگرچه حق بهره‌برداری از اموال خود را دارد، اما این حق، تعهد او در برابر جامعه را نفی نمی‌کند. این تعهد اجتماعی، هم مالک را از دام سودجویی افراطی‌رهای می‌بخشد و هم جامعه را از حمایت و رسمیت بخشیدن به مالکیت، بهره‌مند می‌سازد. توازن اجتماعی همچون بستری پایدار است که بقا و پیشرفت را ممکن می‌سازد. روح مشارکت و تعاون در جوامع انسانی، نه تنها منافع عمومی را تأمین می‌کند، بلکه زمینه‌ساز سعادت فردی و جمعی است. مصلحت عمومی و شکوفایی یکدیگر را تقویت می‌کنند: رشد استعدادها، منفعت را ممکن می‌سازد و مصلحت جمعی، راه را برای شکوفایی هموار می‌کند. تحلیل بنیان‌های نظری تعهدات اجتماعی مالک در حقوق ایران نشان می‌دهد که نظام حقوقی کشور رویکردی ترکیبی اتخاذ کرده است که در آن نفع عمومی و شکوفایی بشری به‌عنوان دو رکن اساسی تعامل دارند. از یک سو، نفع عمومی را می‌پذیرد که به‌عنوان یک اصل راهبردی، محدودیت‌های مالکیت را توجیه می‌کند و هدف آن حفظ مصلحت جمعی است. از سوی دیگر، با توجه به مبانی اسلامی حاکم بر حقوق ایران، شکوفایی و تعالی انسان به‌عنوان غایت نهایی تعهدات اجتماعی مالک مورد توجه قرار گرفته است. در این میان می‌توان گفت نفع عمومی مقدمه‌ای ضروری برای تحقق شکوفایی بشری است؛ چراکه بدون در نظر گرفتن مصالح اجتماعی و تعادل میان حقوق فردی و جمعی، امکان دستیابی به رشد و سعادت جامعه فراهم نمی‌شود. حقوق ایران با ترکیب این دو مبنا، از یک سو به نیازهای عینی جامعه پاسخ می‌دهد و از سوی دیگر، آرمان‌های متعالی دینی را دنبال می‌کند. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که رویکرد حقوق ایران به تعهدات اجتماعی مالک، ترکیبی از کارآمدی نظام‌های حقوقی مدرن (با محوریت نفع عمومی) و مبانی اسلامی (با تأکید بر سعادت و تکامل انسان) است و کوشیده تا برای توجیه تعهدات اجتماعی مالک، از دو دیدگاه «شکوفایی بشری» و «نفع عمومی» پیروی کند. از منظر حقوق کلان اقتصادی و بر اساس قانون اساسی، نظام حقوقی ایران بیشتر بر مبنای دیدگاه شکوفایی عمل کرده است؛ اما در قوانین عادی و به ویژه در موارد خاص، نفع عمومی را محترم می‌شمارد. این تلفیق نه تنها از نظر نظری قابل دفاع است، بلکه در عمل نیز می‌تواند الگویی متوازن برای تنظیم رابطه میان مالکیت شخصی و تعهدات اجتماعی ارائه دهد.

Theoretical Foundations of the Owner's Social Obligations and Assessing Its Capacity in Iranian Law

Abstract

Ownership in legal systems, in addition to conferring rights upon the owner, is invariably accompanied by obligations toward community. Some scholars argue that ownership inherently binds the individual to respect the rights of the community. From this perspective, ownership is not an absolute right; rather, one of its primary functions is the fulfillment of social obligations. Such obligations have manifested themselves in areas such as neighborhood rights, urban planning and land regulations, expropriation of land by the state, intellectual property, environmental protection, and the preservation of historical and cultural heritage, and they continue to expand steadily. The fundamental question, however, is what justifies these social obligations and on what grounds they rest. Legal scholars generally identify three principal foundations: public interest, the social contract, and human flourishing. Adopting a critical approach and relying on library-based research, this study analyzes the theoretical foundations of these social obligations and examines their compatibility with the Iranian legal system. The ultimate aim is to determine the basis upon which social obligations of ownership in Iranian law are established and to identify which of the existing foundations most closely align with it. The findings indicate that the Iranian legal system has adopted a hybrid approach: on the one hand, it emphasizes public interest and collective welfare by highlighting the role of public utility, and on the other, drawing upon Islamic thought, it accords value to human flourishing and perceives the institution of ownership as a means of enhancing human capabilities and potentials.

Keywords: Theoretical Foundation, Social Obligations, Public Interest, Social Contract, Human Flourishing

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، چ ۳۵، جلد ۱ تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳.
- بهشتی، سید محمد، اقتصاد اسلامی، چ ۷، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- بهشتی، سیدمحمد، مبانی نظری قانون اساسی، چ ۲، تهران: نشر بقیع، ۱۳۷۸
- پیلوار، رحیم، فلسفه حق مالکیت، چ ۵، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۴۰۱.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چ ۳۰، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۷
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مقدمه علم حقوق، چ ۱۲، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳
- حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاة، ترجمه احمد آرام، چ ۲، ج ۳، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵
- روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، چ ۴، تهران: شرکت سهامی چهر، ۱۳۴۱
- طالقانی، محمود، اسلام و مالکیت، چ ۴، مشهد: نشر طلوع، ۱۳۴۴
- صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، چ ۷، جلد اول، تهران: میزان، ۱۳۸۷.
- صدر، محمدباقر، اقتصاد ما، ترجمه سید ابوالقاسم حسینی، چ ۱، جلد ۲، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر (انتشارات دارالصدر)، ۱۳۹۳
- عمیدزنجانی، عباسعلی و ابراهیم موسی زاده، بایسته های فقه سیاسی، چ ۱، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۸
- کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، چ ۳۵، تهران: میزان، ۱۳۹۰
- کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، چ ۳، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶
- کاتوزیان، ناصر. «نقدی تحلیلی بر قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۷۶/۵/۲۶». ماهنامه دادرسی، ۱۸، ۳ (۱۳۷۸)، ۵-۱۲
- مکارم شیرازی، ناصر، اصول کلی اقتصاد اسلام (نه شرقی نه غربی)، جلد ۱، قم: هدف، ۱۳۶۰
- مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران: نشر صدرا، ۱۴۰۲
- مدنی، جلال الدین، کلیات حقوق اساسی، چاپ ۲۳، تهران: انتشارات پایدار، ۱۳۹۰
- هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، ج ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۲،

ب) منابع عربی

- الأراکی، الشیخ محسن، نظریه الحکم فی الإسلام، چ ۴، جلد ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۶ ق
- السبحانی، الشیخ جعفر، مفاهیم القرآن، چ ۴، جلد ۱، بیروت: مؤسسة الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۷ ق

- Alexander, Gregory, Eduardo M. Peñalver, An introduction to property theory, New York: Cambridge University Press, 2012.
- Alexander, Gregory S. Ownership and Obligations: The Human Flourishing Theory of Property. Hong Kong : Hong Kong Law Journal , 2013.
- Alexander, Gregory S . The social-obligation norm in American property law. New York: Cornell Law Review 94 , 2008, 745-820.
- Babie, Paul, and Jessica Viven-Wilksch. Léon Duguit and the social obligation norm of property. Adelaide, SA, Australia: springer, 2019. <https://doi.org/10.1007/978-981-13-7189-9>
- Crawford, Colin , The Social Function of Property and the Human Capacity to Flourish, New York: Fordham Law Rev. , 2011), 1089- 1134
- Dagan, Hanoch. Just compensation, incentives, and social meanings. Michigan, *Michigan Law Review* 99, 2000, 134-156. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199737864.003.0016>
- Dagan, Hanoch. Property: Values and institutions. Oxford: Oxford University Press, 2011.
- Dagan, Hanoch, Takings and Distributive Justice, Charlottesville: Virginia Law Review, 1999, 741-804. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780199737864.003.0015>
- Dagan, Hanoch, The Social Responsibility of Ownership, New York: Cornell Law Review, 2007, 1255-1274. Available at <http://scholarship.law.cornell.edu/clr/vol92/iss6/6-> <https://doi.org/10.2139/ssrn.934495>
- Demsetz, Harold. "Toward a theory of property rights." Tennessee: American Economic Review, 1967 , 347-359 https://doi.org/10.1057/9780230523210_9
- Duguit, Léon. Les transformations générales du droit privé depuis le Code Napoléon, 2Ed, Paris: Librairie F. alcan, 1920, <https://doi.org/10.2307/1945398>
- Epstein, Richard A. *Supreme Neglect: How to Revive Constitutional Protection for Private Property*. 4Ed. Oxford: Oxford University Press, 2008.
- Finnis, John. *Natural law and natural rights*. 2ed, Oxford: Oxford University Press, 2011
- Flavio Comim, Mozaffar Qizilbash, Sabina Alkire, The Capability Approach: Concepts, Measures and Applications, Cambridge: Cambridge University Press, 2008.
- Foster, Sheila, and Daniel Bonilla. The social function of property: a comparative law perspective. New York: Fordham Law Review 80 , 2011), 101-113
- Freyfogle, Eric T. "Ownership and ecology." Ohio: Case Western Reserve Law Review , 1992, 1269-1297.
- Hursthouse, Rosalind, On Virtue Ethics, Oxford: Oxford University Press, 1ed, 2000.
- Merrill , Thomas W, Property and the Right to Exclude, 4ed, Columbia: Nebraska Law Review, 1998, 730-755. Available at: <https://digitalcommons.unl.edu/nlr/vol77/iss4/7>
- Mirow, Matthew C, The Social-Obligation Norm of Property: Duguit, Hayem, and Others , Florida: Florida Journal of International Law, 2010 .
- Posner, Richard , Economic Analysis of Law, 3ed, Alphen aan den Rijn: Wolters Kluwer, 1986.
- Radin, Margaret Jane, "Property and personhood." (California: *Stanford Law Review* 1982), 957-1015.

- Rand, Ayn. *The virtue of selfishness*. New York: Penguin, 1964
- Sen, Amartya, and Bernard Williams. *Utilitarianism and beyond*. 1Ed, Cambridge: Cambridge University Press, 1982.4 Available at <https://www.utilitarianism.com/beyond.pdf>, <https://doi.org/10.1017/cbo9780511611964>
- Singer, Joseph William. *Entitlement: The paradoxes of property*, 3Ed, London, Yale University Press, 2000.
- Taylor, Charles. *Social theory as practice*, Cambridge, Cambridge University Press (Philosophy and the Human Sciences), 1985, 91-115. <https://doi.org/10.1017/cbo9781139173490.004>

(د) پایگاه های اینترنتی

- Encyclopaedia Britannica, “Leon Duguit | French Jurist & Legal Scholar”, accessed May ,25 , 2025, <https://www.britannica.com/biography/Leon-Duguit>
- Encyclopaedia Britannica, "Eudaimonia | Definition & Facts" , accessed May ,25 , 2025, <https://www.britannica.com/topic/eudaimonia>
- Federal Ministry of Justice and Consumer Protection – BMJV, “Basic Law for the Federal Republic of Germany”, March 22, 2025, https://www.gesetze-im-internet.de/englisch_gg/englisch_gg.html
- "قانون اساسی ژاپن" ، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی Feb 25, 2024, <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/132276>